



## رویکرد کثرت‌گرایی فرهنگی به عدالت کیفری؛ مطالعه موردی سیاست‌ها و رویه‌های پلیسی

دکتر زهرا عابدی نژاد مهرآبادی<sup>۱</sup> ✉

دکتر محمد فرجیها<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۲

### چکیده

اجتماع محوری پلیس با انعطاف‌پذیری نسبت به همه گروه‌های مختلف اجتماع ملازمه دارد. بنابراین برای اینکه پلیس بتواند اصول اجتماع محوری را رعایت نماید، لازم است تکثر فرهنگی جامعه را به رسمیت بشناسد. عدم توجه به ملاحظات و دغدغه‌های اقلیت‌ها از سوی پلیس، باعث منزوی شدن آنها از جامعه و عدم مشارکت آنها در فعالیتهای اجتماعی می‌شود، چنان‌که پلیس اجتماع محور که با هدف تسهیل در کنترل جرم و برقراری نظم در صدد بهبود روابط خود با اعضاء جامعه است، نمی‌تواند اعتماد اقلیت‌ها را جلب کند. به این منظور لازم است، نه تنها بسترهای قانونی برای به رسمیت شناختن حق متفاوت بودن افراد و احترام به تکثر فرهنگی جامعه فراهم شود، بلکه لازم است پلیس در رویکردهای سخت‌گیرانه خود نسبت به ساکنان مناطق اقلیت نشین تجدید نظر نماید تا از حمایت اجتماعی گروه‌های مختلف در حل مشکلات بزهکاری بهره‌بردارد. هم‌چنین محدود کردن شرایط جذب افسران پلیس به افراد اکثریت باعث می‌شود تا افسران پلیس توانایی درک نیازها و دغدغه‌های گروه اقلیت را نداشته باشند. تربیت افسران پلیس باید تبعیض‌ها نسبت به گروه‌های اقلیت را از بین ببرد.

**واژگان کلیدی:** پلیس اجتماع محور، تکثر فرهنگی، اقلیت، نظام عدالت کیفری، پلیس ایران

✉ z.a.mehra@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه تربیت مدرس

## مقدمه

این امر مورد انکار نیست که اقلیت‌ها در نقش متهم، بزه‌کار و بزه دیده و سایر نقش‌های مهم دیگری که در نظام عدالت کیفری می‌توانند داشته باشند مورد تبعیض بیشتری از سوی نظام عدالت کیفری واقع می‌شوند. امروزه، حاکم شدن رویکرد تکثرگرایی فرهنگی به نظام عدالت کیفری کمک کرده است تا جنبه‌های مختلف بی‌عدالتی و تبعیض نسبت به اقلیت‌ها را از بین ببرد. در جامعه‌ی کثرت‌گرا، همه اجزاء نظام عدالت کیفری مانند نظام قانون‌گذاری، تفسیرهای قضایی، رویه‌های دادرسی و سیاست‌های پلیسی تکثرگرایی فرهنگی را به رسمیت می‌شناسند و به فرهنگ همه گروه‌های جامعه احترام می‌گذارند. بنابراین بخش‌های مختلف عدالت کیفری در مسیری هماهنگ با یکدیگر، فرهنگ فهم نیازهای اقلیت، مدارا با سبک زندگی آن‌ها به شیوه‌ای یکسان با اکثریت و احترام به آن‌ها را می‌پذیرد.

چندفرهنگی بودن ناظر به جوامعی است که فرهنگ‌های چندگانه دارند. این رویکرد، به ایدئولوژی یا راهبردهایی اشاره می‌کند که این چندگانگی را تشویق می‌نمایند. در جامعه چند فرهنگی، همه اقوام و فرهنگ‌های مختلف، هویت خود را در زندگی اجتماعی به شیوه‌ای که متناسب با آن است، می‌یابند. (Bloor, 2010: 272) فرهنگ تنها شامل گروه‌های مختلف بر اساس ملیت و نژاد نیست، بلکه شامل نمادهای دیگر مانند مذهب، جنسیت، سن، تمایلات جنسی و ناتوانایی نیز می‌شود.

رشد چند فرهنگی به علل گوناگون، مانند افزایش مهاجرت در جوامع فراگیر شده است. به‌ویژه، کشورهایی که از لحاظ تاریخی، کمتر پذیرای خارجی‌ها با آغوش باز هستند، بیشتر دچار ناسازگاری‌های پایدار چند فرهنگی و چند قومیتی می‌شوند. نتیجه چنین حرکت‌هایی تغییرات فرهنگی و قومی در جامعه است. هر چند در جامعه‌ای مانند ایران، زندگی اقوام و فرهنگ‌های مختلف در کنار یکدیگر از دیرباز رایج بوده است. ورود گوناگونی و تفاوت اقوام و فرهنگ‌ها، چالش‌هایی را برای کنش‌گران و سیاست‌گذاران عدالت کیفری ایجاد می‌کند. برای مثال، در برخی فرهنگ‌ها تنها زنان، توسط افسران پلیس زن مورد بازجویی قرار می‌گیرند. همچنین، برقراری ارتباط با اقلیت‌ها، گاهی یک مشکل تلقی می‌شود. نه تنها، این گروه به زبان مشترک ملی صحبت نمی‌کنند، بلکه مهارت‌های ضعیف زبانی و عدم حساسیت فرهنگی، ممکن است منجر به ایجاد خشونت‌های ناخواسته شود. عدم توجه به چالش‌ها و مشکلات پلیس در جوامع چند فرهنگی، منجر به ایجاد سوء تفاهم، خشونت، بی‌نظمی‌های اجتماعی و دیگر مشکلات خواهد شد.

مسائل پلیس در جوامع چند فرهنگی ممکن است نظم موجود را تحت الشعاع قرار دهد. نادیده گرفته شدن اقلیت‌ها و عدم توجه به جایگاه آنها در سیاست‌ها و برنامه‌های پلیسی و برخورد و رفتار

غیر متناسب و گاه حتی خشونت آمیز پلیس با گروه‌های متنوع فرهنگی و اقلیت‌ها در جامعه از مهمترین جلوه‌های این مسائل و مشکلات هستند. فاصله‌ای که بین پلیس و گروه‌های اقلیت وجود دارد بر اساس نگرش منفی و عدم اعتماد پلیس به اقلیت‌ها است که در طول زمان ریشه دار شده است. حتی افسران پلیسی که بطور اساسی در صدد برقراری ارتباط موثر با اقلیت‌های اجتماع هستند، اغلب اظهار می‌کنند که گاهی دچار سر درگمی شده‌اند. در واقع، پلیس در یک موقعیت متناقض قرار دارد. از یک طرف حافظ ارزش‌های اکثریت است و از طرف دیگر از آن‌ها خواسته می‌شود تا از اقلیت‌ها حمایت کنند و قوانینی را اجرا کنند که در صدد تضمین حقوق اقلیت‌ها است. در حالی که اغلب پلیس بعنوان نهادی در نظر گرفته می‌شود که کمتر پذیرای مشارکت اقلیت در جامعه است.

به این منظور بهتر است ابزارهایی وجود داشته باشند تا این ارتباط را بهبود بخشند. برای مثال یکی از این ابزارها ایجاد وابستگی و ارتباط است. سازمان پلیس باید به‌طور مداوم و مستقیم با جامعه اقلیت‌ها تماس داشته باشد و از این طریق با آن‌ها ارتباط دو جانبه و گفت و شنود داشته باشد تا بتواند طرحی واقعی مبنی بر مشارکت و فهم مشترک برای سنجش نیازهای آنها ارائه کند. از این رو است که استخدام افسران پلیس از میان گروه‌های مختلف و اقلیت‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

فشارهای ناشی از کثرت‌گرایی فرهنگی خود می‌تواند به‌عنوان یک چالش تلقی شود. زیرا مطالبات و نیازها گوناگون و گاهی متناقض است. انعطاف‌پذیری پلیس در برابر نیازهای اقلیت خود مشکلاتی را به همراه دارد. البته پلیس چند فرهنگی نسبت به این تعارض‌ها آگاهی دارد و آموزش دیده است که چگونه بین آنها تعادل و توازن ایجاد کند. علاوه بر این، بخش عمده‌ای از رویکردهای تک فرهنگی به دلیل افزایش تعدد اختیارات پلیس و به ویژه نیروهای رده پائین پلیس است که امکان نظارت و کنترل کافی بر رفتارها و واکنش‌های آنان وجود ندارد.

به دلیل وجود این چالش‌ها لازم است پلیس که وظیفه برقراری نظم اجتماعی را به عهده دارد، مشکلات بین پلیس و اقلیت‌ها را با ساز و کارهای اجتماع محوری حل کند. از این رو، پس از طرح مبانی و مفهوم شناسی کثرت‌گرایی فرهنگی و پلیس اجتماع محور، جلوه‌هایی از هماهنگی‌ها و ناسازگاری‌های کثرت‌گرایی فرهنگی در برنامه و سیاست‌های پلیسی نشان داده خواهد شد.

### ۱. مفهوم شناسی کثرت‌گرایی فرهنگی و بسترهای قانونی آن

چند فرهنگی، که در متون جامعه‌شناختی به تکثرگرایی فرهنگی<sup>۱</sup> شناخته می‌شود، را چنین تعریف می‌کنند: «مدارا و پذیرش تنوع فرهنگی جوامع، که در نتیجه آن گروه‌های نژادی و قومی مختلف در

کنار هم زندگی می‌کنند و در حالی که هر قوم یا نژاد رسوم خود را حفظ می‌کند، شیوه زندگی اقوام دیگر را نیز می‌پذیرد.» (کوئن، ۱۳۸۸: ۴۰۹) بر این اساس، کثرت و تعدد مذاهب و افکار در زندگی جمعی و اجتماعی رسمیت داشته و معتبر شناخته می‌شود. یعنی در حیطه زندگی اجتماعی بر نقاط مشترک تکیه می‌گردد و از انگشت گذاشتن بر روی نقاط اختلافی و تشنج‌زا دوری می‌شود و صاحبان آراء و اندیشه‌های متفاوت یکدیگر را تحمل می‌کنند و به حفظ حقوق دیگری همت می‌گمارند. (حیدری، ۱۳۸۱: ۳۸) به منظور پذیرش چند فرهنگی در جوامع، به‌ویژه در نظام عدالت کیفری، قبل از هر چیز لازم است بسترهای قانونی مناسب فراهم شوند. تدوین قوانین ناظر به چند فرهنگی به معنای ارائه دستورالعملی الزامی برای رعایت حقوق اقلیت‌ها به کنشگران نظام عدالت کیفری است. به همین دلیل در نظام‌هایی که خلأ قانونی در این زمینه وجود دارد، پلیس به صورت گسترده‌ای آزادی عمل در تبعیض نسبت به اقلیت‌ها دارد. هم‌چنین در مواردی تعارض قانونی با تکثر فرهنگی خود مانعی برای نظام پلیسی در جهت رفتار عادلانه نسبت به اقلیت‌ها است.

### ۱.۱. کثرت‌گرایی فرهنگی و ارتباط آن با اجتماع محوری

تفاوت‌های فرهنگی موضوع مشترک دولت‌های معاصر است که در ظاهر با همگونی اجتماعی در تضاد است. نگرش‌های متفاوت دولت، پلیس و حتی قانون در ارتباط با گروه‌های متنوع اقلیت، چالش‌های اساسی را برای نهادهای دولتی و به‌ویژه پلیس در بردارد. تعارض بین اقلیت‌ها و دولت بدلائل مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌تواند تشدید شود. پلیس خود را در خط مقدم این تعارض‌ها می‌یابد. در برخی موارد، افزایش خشونت کنشگران عدالت کیفری در مورد اقلیت‌ها نشان می‌دهد که دولت‌ها تا به رسمیت شناختن کامل چند فرهنگی در جامعه فاصله زیادی دارند.<sup>۱</sup>

از این رو در الگوی جدید پلیس اجتماع محور، که با استفاده از جلب مشارکت شهروندان و همکاری با آنها سعی بر تسهیل روش‌های کنترل جرم دارد، تمرکز بر احترام به کثرت‌گرایی فرهنگی جامعه، اهمیت ویژه‌ای دارد. زیرا پلیس در الگوی جدید به تنهایی کار نمی‌کند، بلکه بر حمایت و مشارکت همه اعضای اجتماع تکیه می‌کند. در صورتی که پلیس بتواند با همه اقشار و

۱. برای مثال حمله به رودنی کینگ (Rodney King)، فردی آفریقایی-آمریکایی، توسط پلیس لس آنجلس نمادی از خشونت و بی‌رحمی پلیس علیه اقلیت‌ها است (Porat, G.B 2007, 5). هر چند، برای مثال، گزارش اخیر عالی‌ترین مقام پلیسی انگلستان ذکر می‌کند که این امر باید به رسمیت شناخته شود که تبعیض علیه اقلیت‌ها، چه مستقیم و چه غیر مستقیم، امری همه‌گیر در جامعه است و نهاد پلیس از این امر مستثنا نمی‌باشد.

گروه‌های مختلف جامعه ارتباط برقرار کند و دغدغه‌های گروه اقلیت را درک کند، از نیروی بالقوه این افراد برای همکاری در کنترل جرم و برقراری نظم می‌تواند استفاده نماید.

کثرت‌گرایی فرهنگی چیزی فراتر از درک تفاوت‌های فرهنگی است. در واقع، این رویکرد نگرش و شیوه تفکری جدید در انجام مأموریت‌های پلیسی است و نیازمند درک این اصل است که با افراد جامعه، صرف نظر از تعلقات قومی، نژادی و فرهنگی، به‌طور احترام‌آمیز و به‌مثابه یک انسان رفتار شود. بعلاوه، برنامه‌های پلیس اجتماع محور یک رویکرد هماهنگ و یکپارچه نیستند، بلکه به نسبت فرهنگ‌های جامعه باید اجرا شوند. این برنامه‌ها تلاش می‌کند تا مشکلاتی را که در ارتباط با گروه اقلیت‌های جامعه دارد، از طریق سیاست‌های جدید حل کند. به عبارت دیگر این الگو در جهت به رسمیت شناختن تکثر فرهنگی اجتماع است و نه در جهت نادیده گرفتن و حتی گاه برخورد با اقلیت‌های جامعه. زیرا این اتحاد و پیوستگی گروه‌های مختلف جامعه است که می‌تواند پلیس را در حل مشکلات جرم یاری برساند. هر چند همچنان که بر سر راه سایر شاخص‌های اجرایی پلیس اجتماع محور، موانعی چون اقتدار گرایی پلیس وجود دارد، در این زمینه نیز، بیشتر افسران پلیس، بدلیل وجود همین مشکلات و حفظ اقتدار سنتی خود، به راحتی حاضر به برقراری ارتباط با اقلیت‌های فرهنگی و به رسمیت شناختن حقوق آن‌ها نیستند.

یک دست‌تلقی کردن جامعه و تأکید بر پیش‌فرض همگونی و تجانس در منافع عمومی، موجب نادیده انگاشتن نیازها و نگرانی گروه‌های مختلف اجتماعی می‌شود. ایدئولوژی اتحاد و یگانگی در جامعه، به جای تنظیم روابط و تعدیل اولویت‌ها و انتظارهای متفاوت، جهت‌گیری حل تضادهای موجود را به سوی تضمین منافع و دغدغه‌های طبقات خاص سوق می‌دهد. به رسمیت شناختن این تنوع و تکثر در اجتماع، مانعی جدی برای مشارکت واقعی فرهنگ‌ها و اقلیت‌های قومی، نژادی، مذهبی و زبانی در فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری است. از این رو، دستیابی به اهداف پیشگیری پایدار از جرم، نیازمند تعریفی کثرت‌گرا و انعطاف‌پذیر از جامعه و سهیم کردن نیازهای محلی در تدوین و اجرای برنامه‌های پیشگیری است. توجه به این نکته ضروری است که برخی نظام‌های پیشگیری، در حالی بر الگوهای اجتماع محور تأکید می‌کنند که تصویر شفاف و روشنی از اجتماع و قلمرو آن در میان نهادهای پیشگیری وجود ندارد. ساختارهای متفاوت اجتماعی - شهری، تنوع در کیفیت روابط ساکنان محله‌ها و نیز عدم برخورداری نمایندگان محلی از اختیارات قانونی برای تصمیم‌گیری در زمینه چگونگی تخصیص منابع و امکانات، سرنوشت رویکردهای اجتماع محور به پیشگیری از جرم را در این کشورها، با ابهام رو به رو می‌سازد. (فرجیها، ۱۳۸۸: ۱۵) پیامدهای ناخواسته برخی اقدامات پلیس که مبتنی بر اصول اجتماع محوری و رعایت ملاحظات خاص فرهنگ اقلیت نیست، آن است که ارتباط مردم و پلیس از یکدیگر بیشتر

فاصله بگیرد. در نتیجه این بی‌اعتمادی کنترل نظم بویژه در مناطق اقلیت نشین سخت تر می‌شود و نیز نرخ جرم رو به افزایش می‌رود.

مشارکت اجتماعی بدون شناخت تنوع فرهنگی موجود در جامعه امکان پذیر نیست. برای این امر لازم است تمام گروه‌های اقلیت در کشور شناسایی شوند و از روش‌های معتبر برای سنجش نیازها و دغدغه‌های آن‌ها استفاده گردد. برای مثال یکی از جنبه‌هایی که بعنوان نیاز اقلیت‌ها توصیف می‌شود، زبان آنها است. در این زمینه اطلاع‌رسانی از طرح‌ها و برنامه‌های پلیسی لازم است به زبان اقلیت‌ها صورت گیرد. هم‌چنین، برای برقراری ارتباطات کلامی پلیس با گروه‌های قومی مختلف، لازم است با روش‌هایی چون بکارگیری افسران پلیس هم‌زبان و آشنا با زبان مردم این گروه، یا آموزش زبان مورد استفاده متهمان و بزه‌دیدگان به افسران مربوط، به این دغدغه توجه شود. هم‌چنین مسئولیت‌پذیری در برابر نیازهای محلی شهروندان از دیگر پیش‌شرط‌های به رسمیت شناختن تکثر فرهنگی توسط پلیس اجتماع محور است. واکنش‌های دیر هنگام و فاقد کیفیت پلیس به نیازهای اقلیت‌ها و عدم احساس مسئولیت در برابر تضادها و خشونت‌های فرقه‌ای، مگر در مواردی که با امنیت نظام سیاسی حاکم در ارتباط باشد، نشان می‌دهد پلیس، تنوع فرهنگی موجود را به خوبی نشناخته و احترام به آن را در اولویت‌های خود قرار نمی‌دهد.

#### ۲.۱. بستری‌های قانونی کثرت‌گرایی فرهنگی

کثرت‌گرایی فرهنگی در برنامه‌های پلیس در چارچوب کل نظام عدالت‌کیفری تحلیل می‌شود. به عبارت دیگر، نمی‌توان نظام قانون‌گذاری و قضایی تک‌فرهنگی داشت، اما به پلیس چندفرهنگی امیدوار بود. نظام‌های تقنینی که گروه‌های اقلیت را به رسمیت نمی‌شناسند، نمی‌توانند از پلیس انتظار داشته باشند، تنوع فرهنگی را به رسمیت بشناسد. حق متفاوت بودن، حق برخورداری از فرهنگ و سنت‌های خاص خود، بطوری که هر شهروند حق داشته باشد بر اساس ارزش‌های فرهنگی خود تا جایی که موجب صدمه به نظم عمومی نشود، رفتار کند از حقوقی هستند که در قوانین یک جامعه چندفرهنگی به رسمیت شناخته می‌شود. قانونی کردن این حقوق، همه شهروندان را نیز ملزم به احترام به این حقوق خواهد کرد.

جلوه‌هایی از این رویکرد کثرت‌گرا را می‌توان در اصول قانون اساسی مشاهده کرد. اصولی مانند اصل ۱۳، ۱۹ و ۲۶ قانون اساسی<sup>۱</sup>، را می‌توان از اساسی‌ترین اصولی نام برد که چارچوب کلی چند

۱. اصل ۱۳ قانون اساسی ایرانیان زرتشتی، کلمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.

فرهنگی را پذیرفته‌اند. هرچند به رسمیت شناختن حق متفاوت بودن لزوماً به مفهوم برخورداری اقلیت‌ها از این حقوق نیست. بطوری که به نظر می‌رسد حقوق ذکر شده اقلیت‌ها و محدود کردن آن‌ها به موارد مذکور در قانون اساسی کافی نیست. علاوه بر این، از نمادهای احترام به اقلیت‌های زبانی می‌توان به اصل ۱۵ قانون اساسی اشاره کرد. این اصل اشاره می‌کند که زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد، ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

بنابراین در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حقوق اساسی از قبیل تساوی در برابر قانون، محفوظ بودن جان و مال و شغل مسکن، آزادی عقیده، انتخاب شغل، برخورداری از تأمین اجتماعی، دادخواهی، آموزش و پرورش، برخورداری از روند عادلانه دادرسی، داشتن تابعیت، مشارکت در اداره امور کشور و امثال این‌ها را برای همه افراد و اتباع کشور و شهروندان ایرانی صرف نظر از هر نوع وابستگی قومی، زبانی، و مذهبی به رسمیت شناخته شده است.

در اندیشه امام خمینی (ره) اقلیت‌ها در نظام جمهوری اسلامی همانند سایر افراد از حقوق برابر و احترام کامل برخوردارند: «آنها با سایر افراد در همه چیز مشترک و حقوقشان به حسب قوانین داده می‌شود و در حکومت اسلامی آن‌ها در رفاه و آسایش هستند.» (صحیفه امام، ج ۱۱: ۲۹۰) سطوح و لایه‌های آزادی اقلیت‌ها در نظریه سیاسی امام خمینی (ره)، گوناگون است و عرصه‌های مختلفی را از جمله؛ آزادی انجام مراسم و شعائر عبادی، آزادی عقیده و اندیشه، آزادی بیان و حق اظهار نظر، آزادی سیاسی (حق رأی دادن و حق انتخاب شدن به مقامات عمومی و سیاسی) آزادی‌های شخصی و خصوصی و... در بر می‌گیرد. آنچه از سخنان امام خمینی (ره) می‌توان استنباط کرد، این است که در نظام سیاسی مورد نظر ایشان هیچ‌گونه اجحافی به اقلیت‌ها روا نداشته نخواهد شد. همه با هم برادرند و از حقوق مساوی برخوردارند: «کردها و سایر دستجاتی که هستند و زبان‌های مختلف دارند، این‌ها همه برادران ما هستند و ما با آن‌ها هستیم و آن‌ها با ما هستند و همه اهل یک ملت و اهل یک مذهب هستیم.» (صحیفه امام، ج ۶: ۲۶۲)

اصل ۱۹ قانون اساسی بیان می‌کند: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

اصل ۲۶ قانون اساسی: احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

همچنین، به «جلب مشارکت مردم در برقراری امنیت عمومی» در بسیاری از مقررات، مانند ماده ۳ قانون برنامه چهارم توسعه (مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱)، بطور مطلق اشاره شده است، اما به نظر می‌رسد عدم اشاره خاص به گروه‌های متنوع فرهنگی جامعه این امر را مشکل می‌سازد تا تأکید کرد که اسناد داخلی همه اقلیت‌های مختلف جامعه را به رسمیت شناخته‌اند.

ارائه منشور حقوق شهروندی برای حل مشکلات قانونی اقلیت‌های دینی در دولت جدید (دولت یازدهم)، تا حدودی اقدام مثبت شمرده می‌شود.<sup>۱</sup> برخی از این مواد شامل اصول کلی هستند، ولی از این بابت که تصریح می‌کند کلیه اتباع صرف نظر از جنسیت، قومیت، ثروت، طبقه اجتماعی، نژاد و یا امثال آن از حقوق شهروندی و تصمیمات پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات، برخوردار می‌باشند. (ماده ۱-۱- پیش‌نویس غیر رسمی منشور حقوق شهروندی) و همچنین از این لحاظ که احترام به تنوع فرهنگی، مذهبی، زبان و قومی شهروندان، را تکلیف دولت می‌داند. (ماده ۳-۱۶)<sup>۲</sup> نوآوری است. چنان‌که در ماده ۳-۱۲۹- بیان می‌کند: این حق شهروندان است که دولت با احترام به ملاحظات بومی، قومی، مذهبی و فرهنگی، بهره‌مندی یکسان تمامی افراد اعم از زن و مرد را از مواهب توسعه، در یک نظام حقوقی عادلانه تضمین نماید.

در برخی مواد دیگر این منشور، دولت به نمادهای تکثر فرهنگی مانند به‌کارگیری زبان‌ها و گویش‌های محلی و یا تشکیل انجمن‌های محلی به‌خوبی اشاره می‌کند و تمهیداتی در این زمینه پیش‌بینی کرده است. برای نمونه ماده ۳-۲۲- بیان می‌کند که دولت موظف است با همکاری سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، کاربرد آزادانه زبان‌ها و گویش‌های محلی و قومی، در کنار زبان فارسی را با حفظ وحدت ملی و تمامیت هویت ایرانی فراهم آورد. همچنین ماده ۳-۲۳- بیان می‌دارد: همه شهروندان ایرانی حق دارند، از ابزار لازم برای مشارکت کامل در همه ابعاد زندگی فرهنگی گروهی خاص خود که شامل تأسیس نهادها، تشکلهای، انجمن‌ها، برگزاری گردهم‌آمایی‌ها، برپایی آیین‌های دینی و قومی و آداب و رسوم فرهنگی، در چارچوب قوانین و مقررات برخوردار باشند. هر چند با بررسی موادی مانند ماده ۳-۱۱۷- به نظر می‌رسد که منشور در صدد صحت گذاردن بر اصول قانون اساسی است و نمی‌توانسته بر به رسمیت شناختن سایر اقلیت‌های

۱. هر چند این متن هنوز تأیید نهایی نشده است اما اشاره به برخی مواد آن در این زمینه مفید به نظر می‌رسد. بویژه آن که، معاونت حقوقی ریاست جمهوری حاضر ایران، با صدور اطلاعیه‌ای ویرایش نخست منشور حقوق شهروندی که با همکاری دانشگاهیان، حوزه‌های علمیه، اندیشمندان و نخبگان جامعه تهیه شده است، برای اظهار نظر عمومی منتشر کرده تا پس از دریافت نظرات مردمی بمدت یک ماه، بعنوان پیش‌نویس رسمی تقدیم رئیس‌جمهور نماید. نظر سنجی از عموم و درخواست ارسال نظرات درباره متن مذکور خود نشان مهمی از توجه به اجتماع محوری است.

۲. احترام به تنوع فرهنگی، مذهبی، زبان و قومی شهروندان تکلیف دولت است.



مذهبی، به‌طور مستقیم، اشاره کند. ولی، این ماده اشاره می‌کند که برگزاری و حضور در مراسم مذهبی ادیانی که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده‌اند، آزاد است.

پیش‌بینی این موارد در منشور، در چپه‌امیدی به سوی تدوین و اجرای رسمی قواعد مربوط به احترام به حقوق اقلیت‌ها و تنوع‌های فرهنگی در جامعه است. به‌ویژه اینکه خود منشور بر بیان این-که، این حقوق مبتنی بر آن است که یا در قوانین مختلف به رسمیت شناخته شده است یا در دولت با توجه به مفاد منشور از طریق پیگیری خط مشی و برنامه اصلاح و توسعه نظام حقوقی و تدوین و پیگیری تصویب لوایح قانونی در جهت عملی ساختن آن‌ها گام بر می‌دارد، تأکید می‌کند. هر چند، در منشور فوق، به رسمیت شناختن همه اقلیت‌های جامعه به‌طور کلی ذکر شده و از آن-ها، در برخی موارد، نام برده نشده است. به نظر می‌رسد جهت برداشتن موانع موجود و احترام به تکتک فرهنگی، بهتر باشد تمام اقلیت‌های مذهبی، فرهنگی، زبانی و قومی مورد اشاره مستقیم قرار گیرند.

نگاهی به مقررات نشان می‌دهد احترام به اقلیت‌های جامعه در قوانین ایران تا حدودی و به‌طور کلی به رسمیت شناخته شده است. هرچند به رسمیت شناختن حق متفاوت بودن به مفهوم برخورداری اقلیت‌ها از این حقوق نیست، به طوری که به نظر می‌رسد حقوق اقلیت‌ها و محدود کردن آن‌ها به موارد مذکور در قانون اساسی کافی نیست. خلأهای قانونی خود عاملی است که پلیس را در به رسمیت شناختن کامل تکتک فرهنگی موجود دچار مشکل می‌کند. به همین دلیل است که پلیس برنامه‌های خود را بسیار سراسری و حتی گاه با نگاه «امنیتی و سخت‌گیرانه» نسبت به اقلیت‌ها طرح ریزی می‌کند. بنابراین با توجه به بسترهای قانونی بحث کثرت‌گرایی فرهنگی، هنوز خلأهایی در این زمینه وجود دارد و تا قوانین موجود اصلاح نشود، زمینه اجرای اجتماع محوری در سازمان پلیس، که لازمه آن به رسمیت شناختن تمام نمادهای کثرت‌گرایی فرهنگی است، فراهم نخواهد شد.

## ۲. سیاست‌های پلیسی کنترل جرم از دیدگاه کثرت‌گرایی فرهنگی

برخلاف برخی از گفتمان‌های رسمی که بر احترام به گروه‌های متنوع اجتماعی تأکید می‌کنند، جلوه‌هایی از بی‌توجهی و نادیده گرفتن تکتک فرهنگی در برنامه‌ها و طرح‌های پلیس دیده می‌شود که در ذیل به برخی از مهم‌ترین آن‌ها، اشاره می‌شود. در واقع، لازمه پذیرش موفق پلیس اجتماع محور در نظام عدالت کیفری ایران، حذف موانعی مانند تنظیم طرح‌های سراسری و رویکردهای سخت‌گیرانه و امنیتی نسبت به اقلیت‌ها است.

## ۱.۲. نادیده انگاشتن کثرت‌گرایی فرهنگی در طرح‌های سراسری

اجتماع محوری با انعطاف‌پذیری ملازمه دارد. بنابراین، سراسری بودن طرح‌های پلیسی و پیچیدن یک نسخه کلی برای امنیت کشور با اجتماع محوری متضاد است. به طوری که بخشی از سیاست‌های پلیس اجتماع محور به این امر بر می‌گردد که تعیین اولویت‌های برنامه ریزی و سیاست‌گذاری به ساکنان مناطق واگذار شود. زیرا، خصوصیات هر منطقه ویژه آن مکان است و افراد محلی بیشتر به دغدغه‌ها و مشکلات منطقه آشنایی دارند. طرح ریزی برنامه‌های عمومی برای اجرا در سراسر مناطق کشور، علاوه بر اینکه مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی منطقه را حل نمی‌کند، صرف هزینه‌های بیهوده را منجر می‌شود.

باید در نظر داشت، ملاحظات و نیازهای خاص هر منطقه ممکن است به مرور زمان تغییر کند. بنابراین نمی‌توان یک برنامه کلی و دائمی تنظیم و در تمام نقاط کشور به‌طور دائمی اجرا کرد. در میان برنامه‌های پلیسی، طرح «ارتقای امنیت اجتماعی و اخلاقی» یکی از مهم‌ترین طرح‌های انتظامی در سال‌های اخیر است. در بیشتر قسمت‌های آن به کنترل جوانان و نمادهای بی‌حجابی و تضادهای اجتماعی آنان، دستگیری اراذل و اوباش، جمع‌آوری ماهواره و ... پرداخته شده است، بدون اینکه گروه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی و نیازهای خاص آن‌ها مد نظر قرار گیرد. در واقع این طرح بزرگ پلیسی، بیشتر یک طرح کلی و سراسری است، که بر تمام بخش‌های مختلف کشور و همه گروه‌های متنوع اجتماع بطور یکسان اجرا شده است. در حالی که این نادیده گرفتن گروه‌های اقلیت و خرده فرهنگ‌های جامعه، و دغدغه‌های ویژه آن‌ها بخوبی نشان می‌دهد، چندگانگی فرهنگی در جامعه، توسط پلیسی که ادعای اجتماع محوری دارد، به رسمیت شناخته نمی‌شود. فقدان توجه به تنوع فرهنگی موجود در استان‌ها و شهرهای مختلف ممکن است اولویت‌های پلیسی را تغییر دهد. برای مثال، از آنجائی که آمار متکدیان در شهرهای غربی کشور بسیار کم است، اجرای طرح جمع‌آوری متکدیان در این مناطق ضروری نیست.

یکی از نمادهای توجه به تنوع فرهنگی جامعه، برگزاری همایش‌ها و گردهمایی‌هایی است که به منظور تعامل بیشتر پلیس و ساکنان مناطق برگزار می‌شود. سالانه نیروی انتظامی برگزارکننده همایش‌ها و جشنواره‌های متعدد با موضوعات مختلف است. نگاهی به عناوین این همایش‌ها بخوبی نشان می‌دهد، تعداد همایش‌هایی که با این هدف و به مقصود شناخت بیشتر نیازهای منطقه‌ای صورت می‌گیرند، بسیار کم است. همایش ملی پلیس و پیشگیری اجتماعی از جرم که در سال‌های گذشته نیز با عناوین مشابه دیگر در حوزه پیشگیری برگزار شده است، یکی از مهمترین همایش‌های پلیس است، اما ملی بودن همایش مانع طرح کردن تنوع فرهنگی و اجتماع

محوری ناظر به آن در این نوع همایش‌ها است. هم‌چنین، جشنواره‌هایی مانند جشنواره ملی رسانه، نظم و امنیت عمومی نیز دارای عنوان بسیار کلی و سراسری است.<sup>۱</sup> اما برگزاری برخی همایش‌ها و کنفرانس‌ها و گاه حتی طرح‌های تحقیقاتی که در جهت بهبود روابط پلیس و اقلیت‌ها برگزار می‌شود، می‌تواند نقطه مثبتی در جهت به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی موجود در جامعه به حساب آید. همایش‌هایی مانند همایش فرماندهان نیروی انتظامی آذربایجان غربی و اقلیت‌های دینی در کلیسای حضرت مریم در شهرستان ارومیه<sup>۲</sup> و نیز برگزاری همایشی به مناسبت هفته نیروی انتظامی با حضور روحانیون و مسئولان جوامع اقلیت‌های دینی و فرماندهان نیروی انتظامی در تالار اجتماعات آرامنه تهران نمونه‌های این‌گردد همایی‌ها هستند.<sup>۳</sup> هر چند به نظر می‌رسد به رغم مثبت بودن نفس برگزاری این همایش‌ها، لازم است تا محتوای آن‌ها نیز با معانی واقعی اجتماع محوری تطبیق داده شود و نتایج آن در عمل ظاهر شود.<sup>۴</sup> بنابراین باید تأکید شود که کثرت‌گرایی، احترام‌ظاهری نیست و باید حق متفاوت بودن را در قانون و در رویه به رسمیت شناخت.

## ۲.۲. رویکردهای سخت‌گیرانه و امنیتی نسبت به اقلیت‌ها

شاید مهمترین چیزی که بین پلیس و اقلیت‌ها تنش ایجاد می‌کند، این اعتراض همگانی باشد که پلیس بطور ناعادلانه و سخت‌گیرانه، اقلیت‌ها را هدف قرار می‌دهد. تقریباً اقلیت‌ها در همه

۱. برای اطلاعات بیشتر ناظر به عناوین همایش‌ها مراجعه شود

<http://police.ir/?siteid=1&siteid=1&pageid=3626>

۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، "همایش پلیس و اقلیت‌های دینی در ارومیه برگزار شد"، لینک خبر

<http://www.irna.ir/fa/News/80354893>

۳. در همایش اخیر، رئیس انجمن کلیمیان تهران بیان می‌کند که در «یوم کیپور» در ۲۳ کنیسای تهران که مالا مال از جمعیت بودند، هیچ مشکل امنیتی وجود نداشت و کلیمیان با نهایت آرامش و آسودگی به اجرای مراسم دینی خود پرداختند، این امنیت خاطر اولاً برخاسته از روحیه احترام و مدارای مردم ایران است و ثانیاً ناشی از اقتدار پلیس می‌باشد. یشایایی با ذکر حضور رئیس کلانتری یوسف‌آباد (سرهنگ رشیدی) و معاون عقیدتی سیاسی وی در مراسم کیپور در کنیسای یوسف‌آباد تهران، آن را نمونه‌ای از ارتباط صمیمانه پلیس و مردم دانست و در پایان سخنان خود، اقتدار پلیس و حمایت از آن را به اجرای قانون و رعایت موازین اجتماعی از سوی مردم موکول کرد. هر چند تأکید بر اقتدار‌گرایی پلیس، با شاخص‌های پلیس اجتماع محور در تعارض است.

۴. همان‌طور که برگزاری کنفرانس ملی توسط پلیس استرالیا، با مضمون ارائه خدمات پلیس به استرالیایی‌ها چند فرهنگی، در سال ۱۹۹۰ منجر به ایجاد شورای مشورتی قومی پلیس ملی (National Police Ethnic Advisory Bureau) در ۱۹۹۳ شد. از اقدامات این شورا، ارائه طرح اصول پلیسی حاکم بر تنوع فرهنگی در استرالیا است.

کشورها، مورد رفتارهای خشونت آمیز و بازداشت از طریق بازرسی‌های سر زده<sup>۱</sup>، ایست و توقف توسط پلیس، ورود بدون اجازه به منازل واقع می‌شوند.

در بسیاری از نظام‌های عدالت کیفری که سیاه پوستان بخشی از ترکیب جمعیتی جامعه مربوط را تشکیل می‌دهد، همواره نحوه برخورد تبعیض آمیز پلیس با این افراد مورد بحث بوده است. برای مثال نتایج یک تحقیق نشان داده است پاسخ دهندگان سیاه با نا امیددی راجع به وضعیت خود اظهار کرده‌اند، پلیس آن‌ها را چیزی جز نمادهای پر خاشگری نمی‌بیند، حتی زمانی که آنها به فعالیت‌های قانونی مشغول هستند. گاهی افراد سفید پوست نیز به خطر بازداشت توسط پلیس، بویژه زمانی که در حال معاشرت با مردان سیاه هستند و یا در حال مسافرت یا دیدار مناطق مختلط سیاه و سفید یا اکثریت سیاه هستند، اشاره کرده‌اند. (Brunson and Weitzer 2009: 868).

این امر نگرش اجتماع اقلیت را نسبت به پلیس تغییر داده و اعتماد اجتماعی آن‌ها کاهش پیدا می‌کند، چنانکه یافته‌های این پژوهش بیان می‌کند: سیاه پوست‌ها، پلیس را گردن کلفت‌هایی در لباس فرم<sup>۲</sup> می‌دیدند. سیاه پوست‌ها معتقدند پلیس در این توقف‌ها و برخورد با آن‌ها از زبان خصومت آمیز<sup>۳</sup> استفاده می‌کند. این نوع برخوردهای زبانی عواقبی در پی دارد؛ مانند اینکه قدرت پلیس از نگاه این جوانان ضعیف شده و تمایل مردان جوان سیاه را به همراهی با رهنمودهای پلیس کاهش می‌دهد. پاسخ دهندگان عمل افسران را به هل دادن، مشت زدن، لگد زدن و استفاده از چماق علیه جوانان توصیف کرده‌اند. آن‌ها به فساد پلیس نیز، اشاره کرده‌اند. (Ibid: 869).

در بسیاری از نظام‌های توسعه یافته نیز، این تصور ذهنی وجود داشته که وجود اقلیت‌ها که در صدد حفظ میراث‌های فرهنگی خود هستند، تهدیدی برای یگانگی فرهنگی اکثریت به حساب می‌آید. این مسئله، اغلب باعث می‌شود سیاست‌های دولتی نسبت به اقلیت‌ها سخت‌گیرانه باشد. در حالی که، نظام‌هایی که به پذیرش چند فرهنگی متعهد شده‌اند، در صدد بهنجار ساختن واقعیت حضور اقلیت‌ها در جامعه و ارائه خدمات به آنها هستند. از این رو، سیاست‌های رسمی تنوع فرهنگی را پذیرفته‌اند. برای مثال جامعه کانادا تعهد خود را این گونه ابراز می‌کنند:

دولت کانادا، تنوع فرهنگی را بعنوان ویژگی اصلی جامعه کانادا به رسمیت می‌شناسد. پلیس کانادا متعهد به فراهم کردن خدمات پلیسی موثر که متناسب، حساس و بطور برابر پاسخ دهنده به همه بخش‌های متنوع جامعه کانادا است. پلیس کانادا متعهد به سیاست‌ها و برنامه‌هایی است که قوانین و مقررات تنوع فرهنگی را تأیید کرده‌اند، از جمله قوانینی که هر گونه تبعیض در هر

1. under spot check

2. bullies in uniform

4. verbally abuse

زمینه‌ای، فارغ از نژاد، ملیت، ریشه قومی، رنگ، مذهب و یا جنسیت ممنوع کرده اند. پلیس کانادا متعهد است تا خود را بعنوان نماینده همه اعضاء جامعه نشان دهد و حمایت کننده تساوی در استخدام افراد باشد (Casy 2000:6)

ارائه آموزش‌های علمی، اذهان افسران پلیس را از این کلیشه‌های ذهنی پاک کرد. تمرکز برنامه‌های کنترل پلیس در مناطق فقیر نشین و از نظر اقتصادی محروم که معمولاً اقلیت نشین هستند، همچنین بزرگنمایی تخلفات و جرایم برخی از گروه‌های اقلیت، موجب حس بدبینی اقلیت‌ها به پلیس می‌شود. همان‌طور که یکی از فرماندهان انتظامی در مهر ماه ۱۳۹۲ بیان می‌کند: رویکرد اصلی نیروی انتظامی برقراری امنیت برای تمام آحاد جامعه بویژه اقلیت‌های مذهبی است.<sup>۱</sup> وی اعلام می‌دارد که ما به دنبال پلیس فرهنگی و جامعه محور هستیم. قانون ما تنها عمل به دستور الهی است و در این مورد فرقی نمی‌کند که قانون را در مورد چه گروه و نژادی بکار می‌بریم. امنیت متعلق به همه آحاد جامعه است. اقلیت‌های مذهبی مشکلات خود را با پلیس در میان بگذارند.<sup>۲</sup> در حالی که، در عمل و در برخی موارد حل بی‌نظمی‌های اجتماعی توسط پلیس، بخاطر نپذیرفتن اقلیت‌های دینی در کشور پیچیده‌تر خواهد شد.

همچنین رویکرد امنیتی-اطلاعاتی به مسایل استان‌های مرزی و بویژه اقلیت‌ها، مانع ارتباط و اعتماد سازی بین پلیس و این نوع گروه‌های قومی می‌شود. گاهی گسترش و توسعه شبکه منابع خبری و مخبران در مناطق اقلیت نشین و نظارت و کنترل امنیتی به تجمع‌های قانونی به مناسبت‌های مختلف مذهبی این وضعیت را تشدید می‌نماید. زیرا این امر بی‌اعتمادی پلیس به اقلیت‌ها و ارتکاب جرایم امنیتی توسط اقلیت‌ها را اثبات شده فرض می‌کند. نگاه امنیتی به شکل‌گیری انجمن‌ها و نهادها در استان‌های اقلیت نشین و گاه مانع تراشی برای ایجاد آن‌ها، مانع به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی موجود در این مناطق است. در حالی که، یکی از مدیران ارشد سیاسی کشور، نگاه امنیتی به هر بخشی از ایرانی‌ها را نگاهی خطرناک می‌داند<sup>۳</sup> و برخی فرماندهان ارشد پلیسی نیز امنیتی شدن مسائل اجتماعی را یک تهدید برای جامعه می‌دانند.<sup>۴</sup>

۱. خبرگزاری فارس، "رویکرد نیروی انتظامی برقراری امنیت برای اقلیت‌های مذهبی است"، لینک خبر

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920717001577>

۲. خبرگزاری بین‌المللی پیام کوتاه ( نسیم)، "فرمانده انتظامی فارس در دیدار با اقلیت‌های مذهبی: قانونمندترین افراد کسانی هستند که به کتاب الهی عمل می‌کنند."، لینک خبر:

<http://www.nasimonline.ir/NSite/FullStory/News/?Id=635679>

۳. خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا، "نگاه امنیتی به هر بخش خطرناک است"، لینک خبر:

[isna.ir/fa/news/92091812549/](http://isna.ir/fa/news/92091812549/)

۴. سایت خبری تحلیلی عصر ایران، "امنیتی شدن مسائل اجتماعی یک تهدید است"، لینک خبر

<http://www.asriran.com/fa/news/92391>

به نظر می‌رسد با فهم بهتری از اجتماع محوری در میان سیاست‌گذاران انتظامی کشور، سیاست‌گذاری‌های کلی اخیر در جهت رعایت و همبستگی بیشتر اقلیت‌ها پیش می‌رود. بنابراین برداشتی که از گفتمان مدیران پلیس بدست می‌آید، وظیفه حفظ نظم و تأمین امنیت از وظایف نیروی انتظامی و البته باید برای همه اقشار جامعه باشد. اقدامات این سازمان نیز بهتر است به حاشیه رانده شدن اقلیت‌ها را تشدید ننماید، در عین حال با برقراری اصول اجتماع محوری از ظرفیت بالقوه گروه‌های مختلف جامعه برای انجام وظایف پلیسی و تخصصی خود بهره بگیرد.

### ۳. کثرت‌گرایی فرهنگی در نظام استخدام و آموزش پلیس

تغییر در فرهنگ سازمانی پلیس، یکی از پیش شرط‌های ایجاد پلیس اجتماع محور است. برخی از این تغییرات شامل تغییرات اساسی در نحوه استخدام و آموزش افسران پلیس است. از آنجاکه لازمه پلیس اجتماع محور، پذیرش چندگانگی فرهنگی است، استخدام و به‌کارگیری افسران پلیس باید از میان افرادی باشد که نماینده تمام گروه‌های جامعه باشند. مهم‌تر از آن گماردن افسران پلیس اقلیت و یا آشنا با حساسیت‌های فرهنگی اقلیت‌ها، بویژه در مناطق اقلیت نشین است. قشر و طبقه‌ای که پلیس متعلق به آن است، بی‌تردید بر نحوه فعالیت پلیس و ارتباطش با اقشار مختلف مردم تأثیر گذار خواهد بود. زیرا ماهیت تکنیک‌هایی که پلیس به کار می‌برد، بیشتر به نوع محیطی که در آن گشت می‌زند، ارتباط دارد. همچنین تفاوت‌هایی در نوع نگاه وی به اعضاء جامعه، بسته به طبقه‌ای که پلیس از آن می‌آید، وجود دارد. هر چند برخی از جنبه‌های فرهنگ مشترک است. (O'Neill, Marks and Singh, 2007:5)

### ۱.۳. نظام استخدام پلیس و کثرت‌گرایی فرهنگی

در دهه‌های اخیر، نظام‌های پلیسی توسعه یافته، به سمت جذب گروه‌های مختلف جامعه پیش می‌روند. در ادارات سازمان‌های پلیس موفق، افراد مونث و اعضای اقلیت‌ها بیشترند، سطح تحصیلات و استعداد افسران بالاتر است و تعداد کمی از آن‌ها سابقه‌ی لشکری دارند. ضمناً آن‌ها علاقه دارند که در کنار مبارزه با جرایم، به مردم هم کمک کنند. چنین تغییراتی در ترکیب نیروی پلیس، اجزای بنیادین فلسفه کار پلیسی مشارکت با جامعه است. هر چه ادارات پلیس، بیشتر نماینگر چهره جامعه خود می‌شوند، توانایی آن‌ها برای درک مشکلات پیش‌رویشان هم بیشتر می‌شود. برای مثال در این زمینه می‌توان به اجرای راهبردهای موفق پلیس اجتماع محور در نظام پلیسی مالزی اشاره کرد. پژوهش چپراکوبکیت و همکارش در سال ۲۰۰۵ نشان داد که غالب بودن فرهنگ خدمت محور در سازمان پلیس مالزی همراه با توجه به شرایط تفاوت فرهنگی و تنوع

گروه‌های جمعیتی باعث شده است برنامه‌های پلیس اجتماع محور به سطح رضایت بخش و مورد قبولی در جامعه مالزی برسد. (Cheurprakobkit and Puthpongsiriporn 2005:290). همچنین پلیس هلند برای حل مشکل تعارض با اقلیت‌ها به استخدام بیشتر افسران پلیس از میان اقلیت‌های قومی رو آورده است که از سوی دولت نیز حمایت می‌شود. شرایط استخدام این است که هر متقاضی استخدام، باید فارغ از ریشه قومی شرایطی داشته باشد. برای اعضای اقلیت‌های قومی که متقاضی استخدام در پلیس هستند، برخی از این شرایط برداشته شده است و دوره‌های مخصوصی سازمان دهی می‌شود. این دوره‌ها بر یادگیری زبان هلندی و آموزش‌های سیاسی و اجتماعی متمرکز است. حداقل قدم مورد لزوم نیز کاهش داده شده؛ زیرا میانگین قد اعضای اقلیت-های قومی از میانگین قد هلندی‌ها کمتر است. (یونگر، ۱۳۸۸:۱۳۹)

جذب و استخدام افسران پلیس در ایران معیارهای متفاوتی را شامل می‌شود. برای نمونه یکی از شرایط برای دواطلبان استخدام در دانشگاه پلیس، اعتقاد و التزام عملی به دین مبین اسلام است.<sup>۱</sup> در حالی که از ملزومات پلیس اجتماع محور، جذب افراد از میان گروه‌های مختلف جامعه است که شامل تمام اقلیت‌های مذهبی نیز می‌شود. حداقل این است که شرایط باز نگه داشته شود تا دواطلبان اقلیت‌ها نیز اجازه داشته باشند، آزادانه، علاقه‌مندی و تعهد خود را به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی چون خدمت از طریق نیروهای انتظامی نشان دهند. محدود کردن شرایط جذب به افراد اکثریت مسلمان باعث می‌شود تا اقلیت‌های مذهبی خود را با فرهنگ حاکم بر سازمان پلیس بیگانه ببینند و همین امر سبب دوری و انزوای این عده از افسران پلیس اکثریت می‌شود. بنابراین پلیس نمی‌تواند انتظار مشارکت و روابط دوستانه را از سایر اقلیت‌های مذهبی داشته باشد. این امر خود نوعی بیگانگی افسران پلیس با مردم اقلیت را ایجاد می‌کند؛ زیرا افسران پلیس اکثریت، توانایی درک نیازها و دغدغه‌های خاص این گروه را نخواهند داشت و حتی در حل مشکلات جرم با این گروه دچار مشکلاتی خواهند شد.

این امر آشکار است که پلیس در جوامع چند فرهنگی تلاش می‌کند تا افرادی را استخدام کند که منعکس کننده فرهنگ اقلیت‌ها باشند. اگر چه، مشکلات اجرایی وجود دارند که اغلب شامل سطح تحصیلات اقلیت‌ها و جنبه‌های نامحسوس نگرش به این افراد در سازمان می‌باشد. استخدام اقلیت‌ها باید نه تنها این حرفه را به حرفه‌ای جذاب و قابل احترام برای گروه‌های اقلیت تبدیل کند، بلکه بر تمام شک‌های موجود غلبه کند. در حالی که، مسئله مهم در پلیس اجتماع محور، ارائه خدمات زبانی به اقلیت‌ها است. برای برقراری ارتباط با همه گروه‌ها لازم است موانع زبانی را برطرف کرد. این امر می‌تواند از روش‌هایی چون جذب افسران پلیس از میان اقلیت،

1. <http://iranestekhdam.ir/>

آموزش زبان اقلیت‌ها به پلیس، به کار گماردن مأموران آشنا به زبان و حساسیت‌های فرهنگی مناطق اقلیت نشین در این حوزه‌های مأموریتی صورت گیرد. هم چنین افسران پلیس در ایران، از تنوع و گوناگونی شامل همه طبقات اجتماع باشند، گزینش نمی‌شوند و بیشتر معیارهای ایدئولوژیکی است که سبب جذب این افراد می‌شود.<sup>۱</sup>

یکی دیگر از معیارهای استخدام و جذب افسران پلیس عدم عضویت و یا وابستگی به احزاب و گروه‌های سیاسی در زمان تقاضای استخدام است. از آنجا که این شرط در میان شرایط متقاضیان استخدام در سازمان پلیس، بطور کلی مطرح شده است، مغایر با یکی از اهداف اجتماع محوری در جامعه چند فرهنگی است که همانا اجازه فعالیت‌های اجتماعی از جمله تشکیل احزاب و انجمن‌های اجتماعی است که اهداف مشترک ناظر به فرهنگ اقلیت‌ها را دنبال می‌کند. البته مسلماً این امر به معنای اجازه فعالیت به گروه‌های سیاسی که در جهت براندازی نظام تلاش می‌کنند، یا فعالیت‌های مغایر با نظم عمومی انجام می‌دهند، نمی‌شود. اما از آن جایی که این شرط مجزا از شرط دیگری که این معنا را می‌دهد، یعنی عدم سابقه عضویت یا وابستگی به احزاب و گروه‌های سیاسی و معارض با نظام جمهوری اسلامی ایران تصریح شده است، به نظر می‌رسد منظور، عدم فعالیت در هر انجمن و حزبی باشد.

نبود شاخص‌های عینی برای احراز صلاحیت‌های اخلاقی و مذهبی و ارائه تفسیرهای سلیقه‌ای و شخصی از آن، باعث محرومیت سازمان پلیس از ظرفیت‌ها و منابع انسانی موجود خواهد شد. (فرجیها و مقدسی، ۱۳۸۸: ۱۳) اما همان طور که گفته شد ظاهراً در گزینش اجرایی مذکور، تنها میزان پایبندی به اعتقادات، قدرت بدنی و وضعیت فیزیکی متناسب سنجیده می‌شود. بسیاری از نظام‌های پلیسی با تأکید بر شاخص‌های نرم افزاری توجه ویژه‌ای به مدارک دانشگاهی ابراز نموده‌اند. با افزایش میانگین تحصیلات دانشگاهی افسران پلیس، امید بیشتری نسبت به کاهش موارد نقض معیارهای حقوق بشری بوجود آمده است.

۱. تبصره ۲ ماده ۱۷ قانون مقررات استخدامی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۹) در این زمینه قابل توجه است. این تبصره بیان می‌کند که اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی که تا تاریخ تصویب این قانون استخدام شده‌اند از نظر ادامه خدمت از بند الف این ماده (که بیان می‌کند یکی از شرایط استخدام اعتقاد و التزام عملی به مبانی و احکام اسلام و رعایت اخلاق اسلامی است) مستثنی می‌باشند. از یک طرف به نظر می‌رسد قانون‌گذار نمی‌خواهد نسبت به اقلیت‌های دینی که قبل از تصویب این قانون استخدام شده‌اند، اجحاف روا دارد. از طرف دیگر، عملاً با این استثنا نوعی بی‌عدالتی و تبعیض نسبت به اقلیت‌های دینی که بعد از تصویب این قانون تمایل به استخدام در نیروی انتظامی داشته باشند، اعمال شده است. به نظر می‌رسد قانون‌گذار باید یک اصل کلی را در استخدام اقلیت‌های دینی بپذیرد.



در نظام‌هایی که پلیس از طریق شهردار و به‌طور غیر مستقیم توسط مردم انتخاب می‌شود، افسران پلیس تنها از اکثریت حاکم بر جامعه و فرهنگ حاکم انتخاب می‌شوند و نمی‌توانند آن‌طور که باید و شاید با تمام اجتماع ارتباط دوستانه و مبتنی بر اعتمادی برقرار کنند. بنابراین ضرورت بازنگری اساسی در شرایط استخدام افسران پلیس احساس می‌شود.

### ۲.۳. نظام آموزش پلیس و کثرت‌گرایی فرهنگی

از آن جایی که پلیس قبل از اینکه نهادی انتظامی محسوب شود، بخشی از نهادهای اجتماعی جامعه را تشکیل می‌دهد، طراحی دروس زیر مجموعه علوم اجتماعی برای دانشکده‌های دانشگاه پلیس اندیشه‌ای قابل تحسین است، چنان‌که جوامع مردم سالار به وجود پلیس در جامعه اهمیت وافر می‌دهند، در حالی‌که عرصه‌ی عمل پلیس، جامعه است و موفقیت وی به ارتباط و تعامل مناسب با مردم بستگی دارد. هر چند عده‌ای معتقدند پلیس یک نیروی منزوی<sup>۱</sup> تلقی می‌شود، اما ماهیت پلیس بیشتر خدماتی-عمومی است. (O'Neill, Marks and Singh op. cit.: 4) تحقیقات نشان داده است، افسران پلیس به تدریج که وارد این سازمان می‌شوند، ممکن است دید عمومی دشمن مدار نسبت به دیگران پیدا می‌کنند. بنابراین، لازم است این ارتباط به خوبی تقویت شده تا پلیس خود را قشر جدا شده از جامعه نبیند. زیرا اگر پلیس رویکرد بدبینانه‌ای نسبت به عموم داشته باشد، نمی‌تواند به وظیفه خود که برقراری امنیت برای جامعه است، به خوبی عمل کند.

پس از طی مراحل قانونی آزمون و گزینش، عملاً افرادی که با معیارهای اعتقادی و قدرت فیزیکی انتخاب شده‌اند، دانشجوی دانشگاه پلیس شناخته می‌شوند. بعد از موفقیت در این نوع آزمون‌ها، بلافاصله کلاس‌های نظری شروع نمی‌شود، بلکه اصولاً نیم سال اول، آموزش‌های عملی و انتظامی مانند نحوه استفاده از انواع وسایل نظامی، آموزش تفتیش بدنی و ... فراگرفته می‌شود. برای کارایی بیشتر و گزینش متناسب لازم است انواع مهارت‌های ارتباطی، کلامی، تحلیلی و هوشی برآورد شود. زیرا همه این مهارت‌ها به پلیس کارآمد کمک می‌کند تا هم وظایفش را به خوبی انجام دهد و هم خود را مناسب این حرفه ببیند. نظام آموزشی پلیس در این زمینه از نواقصی در مواد درسی برخوردار است که آموزش احترام به چندگانگی‌های فرهنگی و به رسمیت شناختن آنها را شامل نمی‌شود.

در جهت تقویت امنیت جامعه مدار، لازم است با تشکیل دوره‌هایی در سطح پلیس، ویژگی‌ها و حساسیت‌های قومی مختلف برای آن‌ها تبیین شود. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۵: ۲۲). آموزش

1. An Isolated Force

افسران پلیس نیازمند آموزش مهارت‌هایی است که افسران توانایی درک تفاوت‌های فرهنگی را داشته باشند. به این منظور ریشه‌های تاریخی و تجربیات ارتباط فرهنگ‌های مختلف با پلیس، همچنین جنبه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی تبعیض و تفاوت در میان مواد آموزشی افسران گنجانیده می‌شود. به‌کارگیری مهارت‌های تفسیری و تحلیلی در مسیر چگونگی رفتار با اقلیت‌های فرهنگی، لازم است به افسران آموزش داده شود. افسران پلیس اجتماع محور یاد می‌گیرند تصمیم‌های خود را بر اساس ارزش‌های اجتماعی جامعه‌ای که در آن زندگی و کار می‌کنند، اخذ نمایند. در داخل نیروی پلیس، در راستای بهبود روابط با اقلیت‌های قومی، تأکید بیشتری می‌شود تا در خصوص کشورهای اصلی و فرهنگ اقلیت‌های قومی اطلاعات بیشتری به افسران پلیس داده شود. (یونگر، پیشین: ۱۳۹) در آموزش‌های اجتماع محور، واحدهای درسی اطلاعات اساسی مانند آموزش تفاوت‌های فرهنگی، ارتباطات میان فرهنگی، استفاده از مترجم، اجرای قوانین و رویه‌های ناظر به تنوع، را در بر می‌گیرد و فرصتی فراهم می‌شود تا نگرش‌های شخصی و اجتماعی نسبت به تبعیض و کلیشه‌های ذهنی تحلیل شوند. (Oakley and Superintendent 1998:34) الگوها و فرض‌های راجع به نژاد و قومیت از جمله عوامل افزایش خشونت در جامعه از چشم‌انداز عدالت کیفری است.

تربیت افسران پلیس در این نوع الگوی آموزشی، تبعیض‌ها و ناداوری‌ها نسبت به گروه‌های اقلیت را تغییر می‌دهد. در طی فرایند آموزش، افسران پلیس باید تصورات ذهنی و نگرش خود درباره اقلیت‌ها را بازنگری کنند. آنها باید این فرصت را داشته باشند تا بتوانند با گروه‌های مختلف اقلیت تماس داشته و کار کنند. مسلماً این نوع آموزش‌ها نمی‌تواند، تنها به شکل سنتی صورت گیرد؛ بلکه نیاز به مطالعات نمونه موردی، های تیمی، بحث و حتی دیدار با سازمان‌های اجتماعی دارد.

بر اساس نظر و دیدگاه ملدن (Molden) «ما با انجام کار و عمل، یاد می‌گیریم و اولین خطا و شکست در انجام عملی باید در صحنه آموزش و کلاس رخ دهد، نه در صحنه واقعی کار.» «درگیر نمودن فراگیران در دوره آموزشی بسیار مشکل است و به مهارت‌های تدریس، دانش و خلاقیت مدرسان نیازمند است.» در بیان پیشنهادها و توصیه‌های کاربردی ارائه شده توسط ملدن جهت آموزش، بر شیوه‌های مطالعه موردی<sup>۱</sup>، ایفای نقش<sup>۲</sup>، فعالیت در گروه‌های کوچک<sup>۳</sup> و مسافرت و فعالیت‌های یادگیرندگان تأکید شده است. (بنت و هس کارن، ۱۳۸۵: ۱۸۵)

- 
1. Case Study
  2. Role Playing
  3. Small- group Activities

افزون بر این باید ساختار نظامی در دانشگاه پلیس تا حدودی متحول شود. زیرا حاکم بودن فلسفه اطاعت محض و روابط از بالا به پایین در این ساختار با آموزش مفاهیم چند فرهنگی به افسران پلیس جامعه محور تناقض دارد. برای اینکه پلیس بتواند خود را به عنوان بخشی از نهاد کلی اجتماع ببیند و نه عنصری جدا و فراتر از اجتماع؛ لازم است در نظام تربیت پلیس جامعه محور انعطاف پذیری در مقابل خواست و دغدغه همه افراد اجتماع و اقلیت ها در اولویت قرار گیرد.

### نتیجه‌گیری

اعتماد سازی عمومی در جوامع چند فرهنگی ملاحظات خاص خود را می‌طلبد. احترام مأموران پلیس به اقلیت‌های قومی، نژادی، مذهبی و زبانی می‌تواند منجر به مشارکت اجتماعی گروه‌های مختلف شهروندان با پلیس برای کنترل جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی شود. ایجاد کارگاه‌های آموزشی برای آموزش صحیح مفاهیم جامعه محوری به افسران پلیس، بومی سازی با توجه به شرایط فرهنگی ایران، شناخت نهادهای مدنی ای که می‌توانند نقش مؤثری در برقراری ارتباط های مردمی با پلیس داشته باشند، ترغیب خلاقیت گرایی در پاسخ به مسائل جامعه و نیز توجه به ریشه های مشکلات بجای رسیدگی صرف به رویدادها، می‌تواند در برقراری راهبرد واقعی پلیس جامعه محور در نظام پلیسی ایران موفق باشد.

شکی نیست که استقرار روابط سازگار بین پلیس و گروه های متنوع فرهنگی مهاجران بر اساس فهم مشترک و مدارا، احترام و اعتماد، موجب ایجاد شرایطی برای ارائه خدمات مؤثر پلیس به جامعه شده است. بنابراین برقراری روابط و مدارا با گروه های اقلیت یکی از مهمترین عواملی است که می‌تواند باعث شکل گیری پلیس اجتماع محور شود. در حالی که در نظام پلیسی ایران، طرح ریزی برنامه‌ها بدون توجه به نیازهای خاص ساکنان منطقه و بطور سراسری می‌تواند مانع بزرگی در جهت به رسمیت شناختن تکثر فرهنگی جامعه ایران باشد. بطور کلی، اقلیت ها ممکن است اعتماد کمتری به پلیس داشته باشند و در نتیجه برای مشارکت و همکاری با پلیس بی‌میل باشند. توصیه‌هایی که می‌تواند برای اصلاح ناظر به چند فرهنگی و گروه‌های اقلیت ارائه شود، را می‌توان در ۶ گروه طبقه بندی کرد: تنوع و گوناگونی در منابع انسانی، آموزش حساسیت‌های فرهنگی به افسران پلیس، اعمال سیاست‌های ضد تبعیض آمیز در سازمان پلیس، بازنگری و تجدید نظر در رویه های اجرایی که ممکن است منجر به تبعیض های نهادی شوند، ایجاد وابستگی و ارتباط متقابل بین پلیس و اقلیت‌های اجتماع، به کار گرفتن نمایندگان از اقلیت‌ها بعنوان اعضاء و مقامات ارشد پلیس. (Stenning, 2003:10) به منظور بدست آوردن مشروعیت و اعتماد گروه های اقلیت، لازم

است پلیس هر نوع رفتار و سیاست تبعیض آمیز را ریشه کن کند. در غیر این صورت جدایی بین گروه‌های اجتماعی اقلیت و پلیس از بین نخواهد رفت.

بخشی از مشکلات پلیس در ایران برای برخورد های احترام آمیز با گروه های اقلیت و به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی جامعه ناشی از خلأ و ضعف های قانونی و مشکلاتی است که دیگر نهادهای جامعه در این رابطه ایجاد می‌کنند. در واقع، نمی‌توان تمام این مسأله را تنها به دوش پلیس گذاشت. زمانی که دیگر نهادها عزم جدی برای همکاری با پلیس نداشته باشند و بسترهای قانونی در این زمینه برای احترام گذاردن به تکثر موجود فرهنگی در جامعه بخوبی فراهم نشده باشد، پلیس نمی‌تواند مطابق با معیارهای پلیس اجتماع محور عمل کند.

پیش فرض‌های موجود می‌تواند عامل دیگری باشد که باعث اعمال رفتارهای تبعیض آمیز و سخت گیرانه توسط پلیس نسبت به گروه‌های اقلیت شود. این امر، در بیشتر نظام های پلیسی امری رایج است، اما در نظام ایران، با سلطه رویکرد امنیتی به اقلیت ها، مسئله تشدید شده است، بطوری که پلیس نتوانسته برنامه‌های خود را بدون طرح ریزی های امنیتی خاص نسبت به گروه های اقلیت تنظیم و اجرا کند.

چالش دیگر به رسمیت شناختن تکثر فرهنگی از سوی پلیس در نظام جذب و آموزش مشاهده می‌شود. محدودیت در استخدام افسران پلیس باعث فاصله گیری افسران پلیس با اقلیت ها می‌شود؛ زیرا افسران پلیس اکثریت، توانایی درک نیازها و دغدغه های خاص این گروه را نخواهند داشت و حتی در حل مشکلات جرم با این گروه دچار مشکلاتی خواهند شد. جنبه‌های روان شناسی و جامعه شناسی تبعیض، نحوه به کارگیری مهارت ها در مورد چگونگی رفتار با اقلیت‌های فرهنگی و بازنگری در تصورات کلیشه‌ای ذهنی نسبت به اقلیت ها در نظام آموزشی پلیس کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

## منابع

- بنت، وین و هس کارن ام. ۱۳۸۵. «آموزش و تربیت کارکنان پلیس (قسمت دوم)»، ترجمه اکبر استرکی، مجید رضایی‌راد و اسماعیل صفری، **مجله دانش انتظامی**، ۱: ص ۱۸۷-۱۷۶.
- حیدری، ح و دیگران. ۱۳۸۱. «پلورالیزم فرهنگی در اندیشه اسلامی»، **فصلنامه تخصصی کلام اسلامی**، زمستان ۱۳۸۱، شماره ۴۴، ص ۵۷-۳۸.
- خمینی، ر. ۱۳۸۹. **صحیفه امام خمینی (ره)**، چاپ هفتم، جلد ۶ و ۱۱. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

- فرجیه‌ها، م. ۱۳۸۸. **رویکرد چند نهادی به پیشگیری از جرم: چالش‌ها و راهکارها**، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی رویکرد چند نهادی به پیشگیری از وقوع جرم، چاپ اول، نشر معاونت آموزش ناجا.
- فرجیه‌ها، م و مقدسی، م. ۱۳۸۸. «رعایت موازین قانونی در فرایند تحقیقات پلیسی؛ ساز و کارهای درون سازمانی»، **فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم**، ۱۱(۴): ص ۲۵-۵.
- کوئن، ب. ۱۳۸۸. **مبانی جامعه‌شناسی**، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، چاپ ۲۲، تهران: سمت.
- نجفی ابرندآبادی، ع. ۱۳۸۵. «مصاحبه اختصاصی با دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی»، **تعالی حقوق**، ۱: ص ۲۲-۱۶.
- یونگر، م. ۱۳۸۸. «اقلیت‌های قومی، بزهکاری و سیاست عمومی»، ترجمه امیرحمزه زینالی و هرمز یزدانی. **فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم**، ۱۰(۴): ص ۱۲۵-۱۱۳.
- Bloor, K. 2010. **The Definitive guide to political ideologies**, Author House.
- Brunson, R. And Weitzer, R. 2009. "Police Relations with Black and White Youths in Different Urban Neighborhoods", **Urban Affairs Review**, 44: 588-885.
- Casey, J. 2000. "International Experiences in Policing Multicultural Societies, " **International Journal of Police Science and Management**. 3(2): 165-177.
- Churprakobkit, S. And Puthpong Siriporn, S. 2005. "Service culture for the implementation of community policing: a case study of the Malaysian police", **International journal of police science & management**, 7 (4): 289- 299.
- Oakley, R. And Superintendent, R. 1998. "Managing Community and Race Relations: An Approach within Police Management Training", **Police Journal**, 32-38.
- O'Neill, M. Marks, M. And Singh, A. 2007. **Police Occupational Culture: New Debates and Directions**, JAI Press, First Edition, London.
- Porat, G.B. 2007. "Policing Multicultural States. Lessons from Canadian Model, Immigration, Minorities and Multiculturalism in Democracies Conference", Ethnicity and Democratic Governance MCRI project, 25 -27, 2007, Montreal, QC, Canada.
- Stenning, P.C. 2003. "Policing the Cultural Kaleidoscope: Recent Canadian Experience", **Police and Society**, 7 (3), 13-47.

\* وبسایت‌های خبری

خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا، "نگاه امنیتی به هر بخش خطرناک است"، لینک خبر:

<http://www.isna.ir/fa/news/92091812549/>

سایت خبری تحلیلی عصر ایران، "امنیتی شدن مسائل اجتماعی یک تهدید است"، لینک خبر:

<http://www.asriran.com/fa/news/92391>

خبرگزاری فارس، "رویکرد نیروی انتظامی برقراری امنیت برای اقلیت های مذهبی است"، لینک خبر:  
<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920717001577>

خبرگزاری بین المللی پیام کوتاه ( نسیم)، "فرمانده انتظامی فارس در دیدار با اقلیت های مذهبی:  
قانونمندترین افراد کسانی هستند که به کتاب الهی عمل می کنند."، لینک خبر:  
<http://www.nasimonline.ir/NSite/FullStory/News/?Id=635679>

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایرنا، "همایش پلیس و اقلیت های دینی در ارومیه برگزار شد"، لینک خبر:  
<http://www.irna.ir/fa/News/80354893>